



عابرابانی که در انتظار روشن شدن چراغ عبور، کنار خط کشی جمع شده بودند، راننده اتومبیل را دیدند که از پشت شیشه دست تکان می‌دهد. اتومبیل‌های پشت‌سر، بی‌وقفه بوق می‌زدند. تعدادی از رانندگان از اتومبیل خود پیاده شدند تا اتومبیل از کارافتاده را به کناری بکشند و راه را بگشایند. خشمگین، مشت بر شیشه می‌کوبیدند. راننده اتومبیل، سر به طرف آن‌ها برگرداند، نخست به یک‌سو و سپس به سوی دیگر نگریدست. از حرکت لبان او به نظر می‌رسید عبارتی را با فریاد تکرار می‌کند. این عبارت، نه از یک واژه، که از سه واژه تشکیل می‌شد. فردی در را گشود و همه شنیدند که راننده گفت من کور شده‌ام. کسی این سخن را باور نکرد. با یک نگاه آشکار بود که چشمان مرد کاملاً سالم و عنبیه آن صاف و شفاف است. سفیدی مردمک چشم او همچون چینی بود. چشمان بیرون‌زده، صورت چروکیده و ابروان تابدار مرد نشان می‌داد که بسیار نگران است. با حرکتی سریع، مشت‌های گره‌کرده خود را در مقابل چشم آورد شاید بتواند آخرین تصویری را که پیش از آن رویداد دیده است، در ذهن نگهدارد. چراغ چهارراه قرمز شد. مردم به راننده کمک کردند از اتومبیل پیاده شود. مرد نومیادانه تکرار کرد من کور شده‌ام من کور شده‌ام. کتاب کوری نویسنده ژوزه ساراماگو ترجمه مجتبی نظریبگی انتشارات لیدا. کتاب کوری یکی از مشهورترین آثار ژوزه ساراماگو نویسنده‌ای از کشور پرتغال است که در سال ۱۹۹۵ به چاپ رسید و در سال ۱۹۹۸ موفق به کسب جایزه نوبل شد. رمان کوری را به طور مستقیم با یکی از ترس‌های همیشگی و وجودی انسان یعنی ناپینایی روبه‌رو می‌کند. به اندازه‌ای قلم ساراماگو در این کتاب قوی و ملموس به کار گرفته شده که در حین خواندن ممکن است هرآنچه‌نگاهی دست به چشمان خود بزنید و از وجود آن‌ها مطمئن شوید. نویسنده در رمان کوری جهانی بی‌نام و نشان را به تصویر می‌کشد که هیچکدام از افراد یا اماکن اسم خاصی ندارند. آنان با صفات یا موقعیت‌های اجتماعی‌شان در جامعه شناخته می‌شوند. ۴ شخصیت اصلی کتاب را چشم‌پزشک و همسر آن دختر عینکی و پسر لوچ مردی که در ابتدا کور شد و پیرمردی که چشم‌بند داشت تشکیل می‌دهند. کوری یک حکایت اخلاقی مدرن است و مانند داستان‌های اخلاقی کهن پیام‌هایی اخلاقی را اما برای مخاطبی امروزی در خود نهفته دارد. به همین دلیل است که باز مانند آن داستان‌ها، قهرمان‌هایش نه به نام بلکه با یک صفت یاد می‌شوند، و در آغاز کتاب نیز با نقل قول از اثری ناموجود به نام کتاب موعظه‌ها، به ما یادآوری می‌شود که این رمان یک موعظه است. موعظه‌ی رعایت کردن و مراعات. دنیای سراسر سفیدی پلید و وحشت‌باری که کورشندگان داستان در آن به سر می‌برند خاویهی بی‌نظمی و آشفتگی است که نظم روابط انسانی بر آن حاکم نیست و در آن مهم‌ترین چیزی که انسان‌ها نمی‌بینند حقوق یکدیگر است. ساراماگو چهره‌ی مسیحایی نجات‌بخشی را جست‌وجو می‌کند که دوباره درس محبت را به آدم‌ها بیاموزد. کتاب کوری درباره رعایت نکردن حقوق دیگران است و رمان در یک چهار راه آغاز می‌شود. جایی که اولین نفر به یک کوری عجیب دچار می‌شود. یک نوع کوری که در آن چشم‌ها سیاهی را نمی‌بینند بلکه یک نوع کوری سفید است که در آن شخص همه چیز را سفید می‌بیند، انگار که در یک دریایی از شیر به سر برسد. کتاب کوری در یک چهارراه آغاز می‌شود. جایی که رنگ‌های چراغ راهنمایی نظم را برقرار می‌کند و به آدم‌ها می‌گوید که چه وقت حرکت کنند و چه وقت توقف کنند. اولین مورد کوری در این چهارراه اتفاق می‌افتد که در آن فردی پشت ماشین خود نشسته و با سبز شدن چراغ حرکت نمی‌کند.

دسته بندی	کتاب عمومی
موضوع	رمان
نوع جلد	کالینگور
نویسنده	ژوزه ساراماگو
مترجم	مجتبی نظریبگی
ناشر	لیدا
سال انتشار	۱۳۹۶

برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص کتاب کوری [اینجا کلیک کنید](#).